

# سند سیاسی پیشنهادی به نخستین کنگره حزب چپ ایران (فدائیان خلق) (۱)

شنبه، 22 ژوئن 2019 - 20:48



کمیسیون سند  
سیاسی حزب چپ  
ایران (فدائیان خلق)

توضیح:

سند سیاسی پیشنهادی

نخستین کنگره حزب چپ

ایران (فدائیان خلق) برای اطلاع علاقه‌مندان به مباحث کنگره منتشر می‌شود. این سند توسط کمیسیون منتخب هیئت سیاسی - اجرایی تهیه و بعد از بحث در بین اعضای حزب و دریافت پیشنهادات دوباره مورد بازبینی قرار گرفته‌است. این سند اکنون برای اظهارنظر یاران و دوستان حزب، منتشر می‌شود. امید است که علاقه‌مندان به مباحث کنگره نظرات و پیشنهادهای خود را از طریق ایمیل آدرس زیر در اختیار ما قرار دهند:

[kongereh1@lpi-pf.org](mailto:kongereh1@lpi-pf.org)

---

## سند سیاسی پیشنهادی نخستین کنگره

### حزب چپ ایران (فدائیان خلق) (۱)

کشور ما امروز با بحران‌های درهم تنیده، انبوه شکاف‌های اجتماعی و چالش‌های بزرگ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی مواجه است. جمهوری اسلامی که خود عامل اصلی در پدید آمدن این بحران‌هاست، قادر به مهار و حل آن‌ها نیست. بر بستر این بحران‌ها، اعتراضات مردم ابعاد وسیع‌تری یافته‌اند؛ اعتصابات و اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان، مالبختگان، کشاورزان، جمع بزرگی از بازاریان و دیگر گروه‌های اجتماعی گسترده‌تر شده‌اند و کیفیت نوینی را پدید آورده‌اند. جنبه‌ی سیاسی آن‌ها تقویت، همبستگی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی افزون‌تر و همسوئی‌های سیاسی در سطح ملی آشکارتر شده‌است. جمهوری اسلامی انزوای فزاینده و بی‌آیندگی خود را عیان‌تر ساخته‌است. اوضاع در جهت افزایش میزان مخالفت با جمهوری اسلامی و گذار ناگزیر از آن پیش می‌رود و تحركات در صفوف اپوزیسیون شتاب بیشتری به خود می‌گیرد.

۱. اوضاع سیاسی:

جمهوری اسلامی نظامی است مستبد، سرکوبگر، ضد حقوق بشر و دموکراسی، حافظ نظام سرمایه داری عقب مانده و لجام گسیخته که در اساس با تکیه به رانت نفتی، اتکا به ارگان‌های امنیتی، نظامی و تبلیغی و پایه اجتماعی محدود، به سلطه سیاسی خود تداوم می بخشد. جمهوری اسلامی دولت ایدئولوژیک است و ساختار آن برپایه تبعیض، تلفیق دین و دولت و حاکمیت روحانیت شیعه پی ریزی شده و در آن ولایت فقیه هسته اصلی ساختار قدرت است. ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی مغایر و متضاد با دموکراسی است. جمهوری اسلامی دارای خصلت دولت رانتیر و حامی پرور است و در اساس قدرت سیاسی است که ثروت، مالکیت و امتیازات طبقاتی را می سازد. جمهوری اسلامی مانع اصلی اعمال اراده آزاد مردم، حق انتخاب آنان برای تعیین سرنوشت خویش و سد راه پیشرفت و تحول دموکراتیک و تأمین آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و استقرار دموکراسی در کشور است.

جمهوری اسلامی در بن بست قرار گرفته و قادر به برون رفت از این وضعیت نیست؛ با بحران مشروعیت، بحران کارآمدی و چالش در درون خویش روبرو است. اگرچه پایه‌های اقتدار آن فروریخته است، اما هنوز هم با اتکاء به دستگاه عریض و طویل سرکوب دولتی، دستگاه‌های گوناگون امنیتی، پایگاه اجتماعی محدود ولی برخوردار از سازمانیافتگی، نیز لایه‌ای از سرمایه‌داران عمدتاً رانت‌خوار، دلال و باندهای فاسد درون حلقه‌ی قدرت، به سلطه‌ی خود ادامه می‌دهد.

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بر تمرکز اختیارات در دست ولی فقیه و نهادها و ارگان‌های زیر نظر او استوار است و با گذشت هر روز، بیش از پیش در همین رکن اصلی متمرکزتر می شود. تصمیمات کلان حکومتی، جملگی در "بیت رهبری" و مجموعه‌های حول و حوش آن رقم می خورند و با دستور پیدا و ناپیدای "رهبر" قابلیت اجرایی می یابند. مجلس و دولت با تهی شدن از حداقل کارکردهای خود و تمکین به تنزل جایگاه خود، به تابع زیر مجموعه‌های ولایت فقیه تقلیل یافته‌اند "شورای نگهبان" و "مجمع تشخیص مصلحت" مدام و آشکارا به سطح قانون و سیاست‌گذاری بر کشیده شده‌اند. ولی فقیه و نهادهای تحت امر او از سپاه پاسداران تا نیروهای راست افراطی که به اعتقاد یا به مصلحت پیرامون او گرد آمده اند، هرگونه تغییر و رفرم را، تضعیف موقعیت خود می دانند، با استفاده از تمامی امکانات مانع از آن می شوند و بر حفظ وضع موجود اصرار می ورزند. به موازات این روند اما، جامعه در سمت عکس آن در حرکت است.

اصلاحات در جمهوری اسلامی به بن بست خورده است. اصلاح طلبان، بیش از پیش فاقد راهکاری برای برون رفت کشور از وضعیت بحرانی هستند و اکنون روند تجزیه در صفوف خود را طی می‌کنند. اساساً اصلاحات با هدف توسعه‌ی سیاسی در جمهوری اسلامی که نهاد ولایت فقیه بر همه‌ی ارکان آن مسلط است، ناممکن و بدون چشم انداز است. ارتقاء سطح اعتراضات مردمی و به چالش کشیدن کل نظام، شکاف در درون اصلاح طلبان را نیز تسریع نموده است. اصلاح طلبانی که برنامه و دغدغه‌اشان ایجاد فضای باز سیاسی و گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی است، ناگزیر از انتخاب‌های سیاسی جدید هستند. (۲)

نیاز مبرم جامعه ما استقرار جمهوری سکولار و دمکرات، حکومتی متکی بر اراده‌ی آزاد مردم در کشور و گذار از جمهوری اسلامی است. مردم کشور ما به تجربه دریافته اند که هر گامی در جهت کاستن از دشواری‌ها و هر کوششی در راه گشایش برای توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی کشور با مقابله‌ی فهری ارکان اصلی قدرت جمهوری اسلامی مواجه است و کوشش برای اصلاح این نظام، عملاً بیهوده و سترون است و به اصلاح آن نخواهد انجامید. تجربه‌ی چهل سال جمهوری اسلامی به مردم ایران نشان داده است که خصلت فقهاتی و ایدئولوژیک این نظام بر وجه جمهوریت آن تسلط کامل دارد و اجازه‌ی هیچ اصلاح جدی را نمی دهد و از این رو، حکومتی است واپس‌گرا، در تقابل با اراده و خواست مردم و عامل رانده شدن کشور به ورطه‌ی سقوط.

کشور ما با چالش‌های کلانی در حوزه‌ی اقتصادی مواجه است: تداوم بن‌بست ساختاری، تورم مزمن، برنامه‌های اقتصادی نامتعارف، ناموزون و گرایش نئولیبرالی دولت‌ها، سلطه‌ی ارگان‌های امنیتی و نظامی و بنیادهای عریض و طویل بر بخش مهمی از تولید، توزیع و خدمات، حجم عظیم بوروکراسی دولتی و کسری مداوم بودجه‌ی آن، ورشکستگی بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، ناتوانی در تامین نیازهای رشد اقتصادی، تعطیلی و کاهش ظرفیت واحدهای تولیدی و افزون بر همه، تحریم‌های فلج‌کننده، اقتصاد کشور را زمین‌گیر کرده است. در کنار این بحران عمیق اقتصادی، بحران منابع آب کشور، و مشکلات زیست محیطی نیز که عمدتاً ناشی از سوء مدیریت حکومتی در انهدام جنگل‌ها، تخریب زیرساخت‌ها و هدر دادن منابع طبیعی و بی توجهی به تبعات تغییرات اقلیمی است، سر برآورده و وضعیت شکننده‌ای را پدید آورده است. سیاست‌های جمهوری اسلامی عامل اصلی وضعیت اقتصادی وخیم کشور است.

بحران اقتصادی به فقر گسترده به‌ویژه در میان زحمتکشان و تهی‌دستان جامعه و افت سطح زندگی طبقه‌ی متوسط و ریزش آن‌ها به گروه‌های فقیرتر مردم منجر گشته است. این امر، زمینه‌ی عینی اتحادی فراگیر در بطن جامعه علیه فلاکت عمومی اقتصادی را فراهم‌تر کرده است.

جمهوری اسلامی از شیوه‌های خشن و عقب مانده برای استثمار کارگران و مزد بگیران بهره می‌گیرد و از بی‌حقوقی نیروی کار و زحمت دفاع می‌کند. رشد اقتصادی کشور را قربانی اهداف ایدئولوژیک و ماجراجویی‌های بیرون‌مرزی می‌نماید. مخالف احزاب و سازمان‌های سندیکایی کارگری و هرگونه تشکل صنفی مستقل کارگران است، حق اعتصاب و اعتراض برای کارگران را به رسمیت نمی‌شناسد.

جمهوری اسلامی طی چهار دهه‌ی گذشته لایه‌ی نازکی از سرمایه‌داران را به ثروت‌های افسانه‌ای رسانده، از یک سو، بر بستر سرمایه‌داری مافیائی، رانت‌خواری، حامی‌پروری با استفاده از درآمد نفت و فساد ساختاری، لایه‌های انگلی و چپاولگری را پدید آورده است که با سرسختی از این نظام دفاع می‌کنند؛ از سوی دیگر، اکثریت جامعه را به سوی فقر گسترده سوق داده و با افزایش بی‌سابقه‌ی فاصله‌ی فقر و ثروت، شکاف طبقاتی عمیقی را در کشور پدید آورده است.

جمهوری اسلامی قادر به مهار بحران اقتصادی نیست. نه تنها نمی‌تواند برنامه‌ای برای برون‌رفت کشور از بحران عمیق اقتصادی عرضه کند، بلکه خود مانع هر گونه گشایش در اقتصاد کشور است. هیولای بحران اقتصادی جمهوری اسلامی نه فقط میلیون‌ها نفر را زیر خط فقر رانده و به روز سیاه نشانده، بلکه کابوسی برای خود نظام نیز شده است. همین اقتصاد چشم‌اسفندپار جمهوری اسلامی است و می‌تواند به عنوان عاملی مهم در فروپاشی آن عمل کند.

### ۳. جنبش‌های اعتراضی و مدنی و سمت‌گیری آن‌ها :

جنبش اعتراضی و مدنی مردم از خیزش دسامبر ۹۶ تاکنون، در سطح کشور فراگیرتر شده و ابعاد وسیع‌تر پیدا کرده است. این بار نارضایتی‌ها از نظام و سیاست‌ها و برنامه‌های آن به اعماق جامعه کشیده شده و گرانیک‌گاه مبارزه علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن در لایه‌های پایینی جامعه کانونی شده است. در خیزش اعتراضی مردم، مطالبات اقتصادی با خواست‌های سیاسی، آزادی با عدالت‌خواهی هر چه بیشتر به هم گره می‌خورند.

کارگران و معلمان علیرغم بازداشت، شکنجه و زندانی شدن فعالان خود و مواجهه با انواع تهدیدهای حکومت، دست از اعتراض و اعتصاب برنمی‌دارند. عدم تناسب درآمد با هزینه‌های سرسام‌آور زندگی ناشی از گرانی فزاینده، تعویق چندین ماهه‌ی پرداخت دستمزد‌ها، انواع فشارهای معیشتی دیگر، رواج بی‌قانونی در محیط‌های کار، زورگویی‌های صاحبان سرمایه و کارفرمایان پس‌زمینه و مایه‌ی اصلی این اعتراضات هستند. کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه، با اعتصابات و اعتراضات خود جسورانه سیاست‌های حکومت را به چالش می‌کشند.

اگر در خیزش دی ماه ۹۶، مردم خیابان ها را از سیطره‌ی حکومت به‌در آوردند، روند رو به گسترش اعتراضات کارگران و زحمتکشانشان طی دو سال اخیر توانسته است بسیاری از محیط‌های کار را به صحنه‌ی چالش با سیاست‌های حکومت تبدیل کند و هم‌زمان افکار عمومی را در پشتیبانی از خواست‌های خود به واکنش همدلانه بسیج نماید.

جمهوری اسلامی امروز علاوه بر اعتصابات کارگران، معلمان، بازنشستگان، با اقسام اعتراضات دیگر گروه‌های اجتماعی علیه تبعیضات حکومتی مواجه است. مبارزه‌ی مدنی برای آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در اشکال متنوع و طیفی از مقاومت‌های مدنی در سراسر کشور جریان دارد. برآمدهای مبارزاتی در زمینه‌ی ستیز با تحلیلات تبعیضات گوناگون از جمله تبعیض‌های جنسیتی، ملی و قومی، دینی و عقیدتی در زمره‌ی واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی جاری کشور محسوب می‌شوند. جمهوری اسلامی اکنون با انواع مبارزات علیه تبعیض مواجه است که روز به روز بیشتر به یکدیگر گره می‌خورند.

## ۲. فشارهای بین‌المللی:

فشارهای بین‌المللی طی ماه‌های گذشته افزایش چشمگیری یافته است. دولت آمریکا که سیاست آن بر بنیان اعمال فشار به دولت‌های دیگر پایه‌گذاری شده است، با خروج از برجام و بازگشت تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده، بر حدت و شدت بحران در مناسبات با جمهوری اسلامی افزوده است. جمهوری اسلامی با سیاست چند دهه‌ای مبتنی بر شعار "مرگ بر آمریکا" سرانجام پاسخ خود را در تندترین نوع واکنش از سوی هیئت حاکمه‌ی فعلی آن کشور گرفته است. سیاست خصمانه‌ی دولت کنونی ایالات متحده علیه کشور ما، عمدتاً بر زمینه‌ی سیاست "دشمن محور" ولی فقیه و نهادهای زیر مجموعه‌ی آن عمل می‌کند.

جمهوری اسلامی هم چنین، با تبدیل سیاست ستیز با اسرائیل به بخشی از هویت خود، نه تنها به رشد و تقویت راستگراترین جریان‌ها در خود اسرائیل یاری رسانده و باعث پیچیده‌تر شدن معضلات منطقه به ضرر فلسطینی‌ها شده است، بلکه نزاع عقیدتی نالازم با دولت اسرائیل را بدل به موضوع کانونی خطرناکی در خاور میانه کرده است. ائتلاف ترامپ، نتانیاهو و بن سلمان علیه جمهوری اسلامی، عملاً چون تهدید هولناکی علیه ایران، و صلح و دوستی در منطقه عمل می‌کند

دخالت‌های جمهوری اسلامی در بحران‌های منطقه‌ای در مناطق بحرانی مثل سوریه، عراق و یمن، مناسبات با همسایگان را تحت تاثیر قرار داده است. سیاست فاجعه‌بار ایده‌ی "عمق استراتژیک" و با کارگزاری "سپاه قدس" در بخشی از منطقه که "هلال شیعی" نامیده شده است، کشور ما را عملاً در اکثر مناقشات منطقه درگیر نموده و وارد رقابت‌های زیانبار با کشورهای عرب منطقه کرده است. مشی ایجاد "عمق استراتژیک" برای جمهوری اسلامی نه تنها بی‌آینده و محکوم به شکست است، بلکه پیامدهای سنگین نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زیادی برای کشور ما در پی داشته و دارد. مبارزه برای عقب‌نشاندن جمهوری اسلامی از سیاست خارجی تنش‌زا و توسعه‌طلبانه، مبارزه علیه یکی از پایه‌های اصلی دوام و موجودیت آن است. این واقعیت سیاسی را در ایران امروز، می‌توان در شعار مردمی "دشمن ما همین‌جاست" منعکس دید و در رشد قدرت تشخیص اولویت‌ها توسط مردم در مخالفت هم‌زمان آن با هر دو سوی منازعه ردگیری کرد.

## ۵. تحولات در اپوزیسیون جمهوری اسلامی:

بعد از خیزش دیماه ۱۳۹۶ برمیزان مخالفت با جمهوری اسلامی و گذار از آن به طور بی‌سابقه‌ای در سطح جامعه افزوده شده است. این تحول اپوزیسیون را به تحرک بیشتر وادار کرده است. دو عامل در تحرکات اپوزیسیون و روندهای درونی آن نقش دارند: (۱) به ژرفا رفتن باز هم بیشتر شکاف میان دولت و ملت و پیامدهای آن در صحنه‌ی سیاسی، گسترش بی‌سابقه‌ی جنبش اعتراضی مردم، (۲) بیرون آمدن دولت آمریکا از برجام و تحریم‌های فلج‌کننده‌ی اقتصادی و تشدید فشارهای سیاسی علیه جمهوری اسلامی و نیز شکل‌گیری ائتلاف آمریکا، عربستان و اسرائیل. اولی عاملی تعیین‌کننده و متاثر از فضای اعتراضی در

جامعه است که نوعی از فشردگی میان صفوف اپوزیسیون را به بار آورده و بلندتر شدن صدای مخالفت و مبارزه‌ی پیگیر با جمهوری اسلامی را باعث شده است. نیروهای جمهوری‌خواه سکولار و دمکرات‌ها عمدتاً از این روند متاثرند و در جهت تشکیل ثقل جمهوری‌خواه گام بر می‌دارند. اما دیگری که در اصل از چگونگی رویکرد بخش‌های مختلف اپوزیسیون نسبت به حدت بحران میان جمهوری اسلامی با ایالات متحده آمریکا و متحدانش در منطقه ناشی می‌شود، بر هم‌پیوندی نیروهای اپوزیسیون تأثیر منفی گذاشته و بازار آلترناتیو سازی را رونق بیشتری داده‌است.

هم اکنون همکاری و ائتلاف‌های جدیدی در میان بخش‌های مختلف اپوزیسیون جمهوری‌خواه و دمکرات در حال شکل‌گیری است. این امر هر چند نشان‌دهنده‌ی آن است که امید به تغییر و تأثیرگذاری نیروهای اپوزیسیون در جامعه تقویت شده است، اما هنوز متضمن نقش مؤثر این نیروها در صحنه‌ی سیاسی کشور نیست و تلاش‌ها در این عرصه هنوز در آغاز راه است. جمهوریخواهان سکولار و دمکرات، از جمله بخش ملی و چپ آن، تلاش‌هایی را برای تشکیل بلوکی از جمهوریخواهان سکولار و دمکرات آغاز کرده‌اند.

#### ۶- سیاست ما در مورد تغییرات در صفوف اصلاح طلبان:

یکی از تغییرات در میان اصلاح طلبان، پیوستن بخشی از آنها به صفوف نیروهای سکولار و طیف باورمندان به مشی گذر از جمهوری اسلامی است. این بخش گرچه هنوز فقط اقلیتی از این جریان را در بر می‌گیرد، اما رو به رشد است. زیرا در سمت تحول طلبی ناگزیر جامعه قرار دارد و هم‌سو با پایگاه اجتماعی رو به ریزش و ناامید از اصلاح این نظام عمل می‌کند. این در حالی است که اکثریت اصلاح طلبان سیاست خود را همچنان با قدرت مستقر تنظیم می‌نمایند، یا دل در گرو قدرت دارند و یا در دو دل ماندن میان ولایت و مردم در حال نوسان‌اند. ادامه‌ی امید دربار‌های آزادی انتخابات در زیر چتر ولایت فقیه و هراس‌شان از "خیابان" و خیزش‌های اجتماعی، معرف جایگاه آنان در مبارزه‌ی جامعه با حکومت است. سیاست ما تقویت گرایش به سکولار دموکراسی و نقد گرایشی است که دل در گرو قدرت دارد. (۲) و (۴)(۵)

#### ۷. استراتژی سیاسی ما برای گذار از جمهوری اسلامی:

کشور ما برای انجام تحول سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مثبت و جدی نیازمند رهانی از جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی وارد روند فروپاشی شده، با نارضایتی گسترده‌ی مردم و جنبش اعتراضی در اعماق جامعه مواجه است و قادر نیست بر بحران‌های چندگانه و درهم‌تنیده‌ی کنونی کشور غلبه کند. کشور ما آستان تغییرات است. عوامل متعددی در چگونگی این روند تأثیرگذار هستند. عوامل درونی و عوامل بیرونی. روندها در پائین، از جمله سطح و ابعاد اعتراضات، سازمانیابی و پیوند خوردن آن‌ها، وضعیت اپوزیسیون و روندها در بالا، همچون اراده و توان سرکوب حکومت، شکاف و اختلاف بین گروه‌های حاکم و توان مقاومت رژیم در برابر دولت ترامپ و با عقب‌نشینی و سازش با آن.

ما برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سکولار و دمکرات با اتکاء به جنبش‌های مدنی و مبارزات دمکراتیک مردم ایران تلاش می‌کنیم. روش راهبردی ما برای گذار، بر مبارزات دمکراتیک مردم، جنبش‌های اجتماعی، نهادهای مدنی، استواری جنبش زنان کشورمان علیه تبعیض و نابرابری، جنبش‌های دمکراتیک ملی و قومی و بسیج پایگاه اجتماعی چپ در میان کارگران، زحمتکش‌ها و مزد و حقوق بگیران و فرهنگ‌سازان جامعه استوار است. ما به سازمان‌یابی مستقل مردم باور داریم. همکاری نیروهای سیاسی آزادی‌خواه می‌تواند با تغییر توازن قوای کنونی، گذار به یک جامعه‌ی آزاد و عادلانه را هموار سازد. گذر از این نظام و استقرار دمکراسی تنها از طریق مبارزه‌ی ملی و فراگیر و بسیج اجتماعی از طریق مبارزات بخش‌های مختلف مردم ممکن است. ما بر پیوند اعتراضات گروه‌های مختلف اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی تبعیض ستیز زیر شعار آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی تأکید داریم. هدف ما حمایت از مبارزات این مجموعه و تقویت همبستگی بین آن‌ها است.

راهبرد ما برای گذر از جمهوری اسلامی، متأثر از نوع تحولات برنامه ای در فردای گذار است. از این رو معطوف به شکل دادن به نقل جمهوریخواهی سکولار و دمکرات در سپهر سیاسی کشور از یکسو، تلاش برای همکاری و تشکیل بلوک چپ برای سازماندهی مبارزات سیاسی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان در سپهر سیاسی کشور از سوی دیگر است. انکاء ما به مبارزات کارگران و دیگر مزد و حقوق بگیران است.

در گذار از جمهوری اسلامی، سمت اصلی مبارزه‌ی ما علیه ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است. در عین حال به باور ما مبارزات مردم برای عقب‌نشاندن حکومت در هر زمینه‌ی ممکن به سود روندهای دموکراتیک و گامی به جلو در مبارزه علیه استبداد دین‌سالار است. (۵)

فعالیت ما باید عمدتاً بر توانمندسازی جنبش طبقه کارگر، معلمان، پرستاران و دانشجویان به عنوان نیروی محرکه‌ی اصلی در اعتراضات مدنی و نیز جذب طبقه‌ی متوسط شهری متمرکز گردد و در همان حال، بر یافتن راه‌های هم‌پیوندی آن‌ها با اقدامات اقشار دیگر توجه نماید. دعوت به ایجاد کانون‌های پوشش دهنده‌ی همچون کمیته‌های همبستگی ملی با اعتراضات، کانون‌های دفاع از زندانیان سیاسی، به منظور گره‌زدن شاخه‌های جنبش اعتراضی به‌همدیگر، از راهکارهای موثر در جهت توانمندسازی اعتراضات مردم است.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) در مسیر گذار از جمهوری اسلامی بر مبارزه‌ی مسالمت آمیز و بسیج فراگیر جنبش‌های اجتماعی تأکید دارد. از اعتصابات و اعتراضات کارگران، زحمتکشان، مبارزات مدنی زنان، معلمان، پرستاران و ... برای تامین مطالبات، حقوق و آزادی‌های مدنی دفاع می‌کند. تشکل، تجمع، اعتصاب و آزادی بیان را حق همه‌ی گروه‌های اجتماعی و مدنی می‌داند. ما طرفدار مبارزه‌ی مسالمت‌آمیزیم و از مبارزات مدنی مردم در هر حال حمایت می‌کنیم.

#### **۸. شعار راهبردی ما:**

**شعار راهبردی ما برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سکولار و دمکرات، تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی جدید است. (۶)**

#### **۹. همکاری‌ها و ائتلاف‌های ما:**

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر ضرورت و اهمیت مبرم بودن همکاری و وحدت نیروهای چپ تأکید دارد؛ در جهت تشکیل بلوک چپ و مبارزه‌ی متحدانه برای آزادی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم تلاش می‌کند؛ نزدیکی‌ها، همسویی‌ها و همگرایی‌ها در میان نیروهای چپ، اعم از متشکل و منفرد را گامی در جهت تقویت دفاع از منافع و مطالبات کارگران، مزدبگیران و تهیدستان و فرارویاندن آن به نیروئی تأثیر گذار در تحولات سیاسی کشور می‌داند و آمادگی خود را برای فعالیت مشترک در جهت ایجاد بلوکی از نیروهای چپ که بتواند پژواک رسای این نیروها در صحنه‌ی سیاسی کشور باشد، اعلام می‌کند.

ما شاهد شکل‌گیری همکاری و ائتلاف بین جریان‌های جمهوریخواه سکولار و دمکرات هستیم و بلوک‌هایی از این نیروها در حال شکل‌گیری است. ما معتقدیم که جمهوریخواهان ایران برای شکل‌دهی نقل جمهوریخواهی در صحنه‌ی سیاسی کشور، باید وارد روند گفتگو و همکاری‌های گسترده‌تر شوند و ائتلافی فراگیر و پوشش‌دهنده از احزاب و فعالین سیاسی جمهوریخواه ایجاد کنند. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) همکاری و اتحاد نیروهای جمهوریخواه سکولار و دمکرات را، گامی در جهت گذار به دموکراسی و استقرار جمهوری سکولار و دمکرات در ایران می‌داند. ما آمادگی خود را برای گفت و گو و همکاری با همه‌ی نیروها، در راستای ایجاد تعلق از نیروهای جمهوریخواه سکولار و دمکرات اعلام می‌کنیم. در عین حال، از گفتگو و دیالوگ با دیگر نیروهای اپوزیسیون استقبال می‌کنیم.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) مخالف هر نوع حکومت استبدادی، سلطنتی، موروثی و ایدئولوژیک در ایران است و برای استقرار جمهوری سکولار و دمکرات در ایران و با تکیه بر نیرو و توان خود مردم ایران مبارزه

می کند. ما مخالف آلترناتیوسازی و دخالت دولت‌های خارجی و انکاء اپوزیسیون به قدرت‌های بزرگ و دولت‌های خارجی برای تغییرات سیاسی در ایران هستیم.

\*\*\*\*\*

## رئوس سیاست های ما:

۱. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از مبارزات کارگران برای تامین مطالبات خود، تشکیل سندیکاهاى مستقل و عليه سياست‌هاى نتوليرالى دولت كه قوانين حمايتى، دستاوردهاى جنبش كارگرى و حقوق سنديكايى كارگران را آماج تاخت و تاز قرار داده، حمايت مى كند. ما براى تامين دستمزد مكفى و متناسب با هزينه‌هاى زندگى براى كارگران و پرداخت منظم و به موقع آن، ايجاد اشتغال، بيمه‌ى بيمارى، به رسميت شناختن حق تشكّل و اعتصاب، آزادى فعالان سنديكايى زندانى، لغو قراردادهاى موقت كار در مشاغلى كه ماهيت مستمر دارند، توقف خصوصى سازى واحدهاى كلان توليدى و خدماتى، ممنوعيت كار کودکان، رفع تبعيض جنسيتى و مخالف تغيير قوانين حمايتى كار و تامين اجتماعى به زيان كارگران مبارزه مى كنيم. كارگران بايد تحت پوشش قانون كار و تامين اجتماعى قرار گيرند. دولت بايد بدهى‌هاى خود به تامين اجتماعى را بپردازد و مديريت امور تامين اجتماعى را به شورايى مركب از نمايندگان تشكّل‌هاى مستقل كارگرى و نهادهائى كارفرمايى به انتخاب خود آنها واگذار كند. ما از مطالبات و مبارزات معلمان، بازنشستگان و پرستاران حمايت مى كنيم.

۲. نقض حقوق بشر جزئى از ساختار متكى بر تبعيض جمهورى اسلامى است. هم اكنون تعداد زيادى از كندشگران مدنى، فعالان جنبش هاى اجتماعى، زنان، معلمان، كارگران، نويسندگان، روزنامه نگاران، وبلاگ نويسان، دگر اندیشان، وكلاى مدافع حقوق بشر، فعالان محيط زيست، باورمندان به ادیان و مذاهب ديگر، در زندان‌هاى جمهورى اسلامى شكنجه شده و به حبس‌هاى طويل المدت محكوم مى شوند. صدور احكام ظالمانه و اجراء گسترده‌ى احكام اعدام حربى حكومت استبدادى براى ارباب جامعه‌ى به پا خاسته‌ى ايران است. سياستى كه هم چنان ادامه دارد. اگرچه از ميزان اعدام‌ها در سال گذشته كاسته شده است، اما با اين وجود جمهورى اسلامى هنوز يكى از ركورد داران اعدام در سطح جهانى است. ما مخالف صدور حكم اعدام هستيم، هم صدا با طيف گسترده‌ى آزاديخواهان ايران، بر ضرورت تداوم و تشديد اتحاد عمل عليه اعدام ها و توقف كشتارها تاكيد مى ورزيم. ما با اعلام همبستگى با زندانيان سياسى كشور و همدردى با خانواده هاى زجرکش آنان، صدور احكام سنگين براى فعالان سياسى و مدنى را محكوم مى كنيم و بر مبارزه براى آزادى كليده‌ى زندانيان سياسى تاكيد داريم. حزب چپ ايران (فدائيان خلق) با احترام و باورمند به اعلاميه جهانى حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و تمامى الحاقات ان، اين سند تاريخى را به‌عنوان مبنای مسلم حقوق انسانى مورد قبول همهمى ملل جهان پاس داشته و ميانى آن را در راهبرد هاى سياسى خود به‌كار مى برد و نقض گسترده‌ى حقوق بشر در جمهورى اسلامى را محكوم مى كند.

۳. جنبش زنان پايدارترين جنبش اجتماعى و بسترساز جنبش دموكراتيك عليه جمهورى اسلامى است. جمهورى اسلامى مظهر تبعيض عريان عليه زنان است. مبارزه‌ى زنان كشور ما عليه تبعيض و برچيدن حجاب اجبارى تاريخ چهل ساله دارد. حضور «دختران خيابان انقلاب» عليه حجاب اجبارى جلوه‌اى از ابتكار عمل زنان در مبارزه عليه تبعيض است. حزب چپ ايران (فدائيان خلق) از تامين برابرى حقوق زنان با مردان دفاع مى كند و از مبارزه‌ى زنان عليه فرهنگ مردسالارى، حجاب اجبارى، رفع كليده‌ى اشكال تبعيض جنسيتى و برابرى بدون قيد و شرط با مردان در همهمى زمينه‌ها از جمله ارث، حق حضانت، طلاق، حق مسافرت و برابرى حقوقى كامل زنان با مردان پشتيبانى مى كند.

۴. معلمان كشور ما وظيفى خطير آموزش فرزندان مردم و آينده‌سازان جامعه را بر عهده دارند. اما آنها با حقوقى نازل در شرائط دشوارى زندگى مى‌كنند، براى افزايش حقوق، بيمه‌ى كارآمد، همسان سازى

حقوق ها، حق تشکل، آزادی فعالان صنفی، توقف خصوصی سازی و پولی کردن آموزش و بهبود شرائط کاری شان تلاش می کنند. جمهوری اسلامی به جای رسیدگی به مطالبات معلمان، اعتراضات آنها را سرکوب و فعالان تشکل‌های صنفی را به زندان می اندازد، از کار اخراج و تبعید می کند و همواره در پی اعمال کنترل امنیتی و ایدئولوژیک بر نظام آموزشی کشور است. ما برای آزادی معلمان زندانی، به رسمیت شناختن حق تشکل، افزایش حقوق، توقف خصوصی سازی و پولی کردن آموزش، رسیدگی به سایر مطالبات معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته و مشارکت‌دادن آنها در اداره امور آموزشی و برنامه‌ریزی در امر آموزش مبارزه می کنیم.

۵. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از آزادی فعالیت نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران، فیلمسازان، که همواره مورد تعقیب و آزار دستگاه های تفتیش عقاید و سرکوب حکومتی قرار دارند، حمایت می کند و خواستار آزادی روزنامه نگاران زندانی لغو سانسور و منع پیگرد نویسندگان، روزنامه نگاران فیلمسازان و فرهنگ‌سازان است.

۶ دانشگاه و جنبش دانشجویی خار چشم رژیم جمهوری اسلامی است. رژیم در طول چهار دهه گذشته همواره از تمام ابزارها برای خاموش کردن صدای دانشجو و اعمال کنترل بر دانشگاه بهره گرفته‌است. در دانشگاه‌های کشور هم چنان فضای پادگانی حاکم است، نیروهای امنیتی به طور قابل توجهی حضور دارند و احضار دانشجویان برای بازجویی به کار روزمره‌ی نهادهای حراست تبدیل شده است. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر این باور است که استقلال دانشگاه‌ها و آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی برای استادان و دانشجویان باید تامین گردد. هیچ دانشجویی نباید به دلیل عقیده، مذهب و یا فعالیت صنفی و سیاسی از تحصیل محروم و اخراج شود.

۷. فساد و رانت‌خواری در رژیم جمهوری اسلامی ساختاری است. امروز افزایش فساد حکومتی با مبارزه علیه استبداد پیوند خورده است. مبارزه علیه رانت‌خواری و فساد نیازمند شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، رسانه‌های آزاد و فراهم آوردن امکان نظارت رسانه‌ها و اتحادیه‌ها، مجامع صنفی و سازمان‌های غیردولتی بر فعالیت‌های اقتصادی حکومت و مسئولان آن است. اما استبداد حاکم همه این منافذ را بسته است.

۸. کشور ما با یک بحران بزرگ زیست‌محیطی روبروست. در سال‌های گذشته دلسوزان کشور با درک ابعاد این بحران برای حفظ محیط‌زیست، سازمان‌های متعدد مردم‌نهاد را پی ریختند و طرح‌های ضرور را تهیه و اقداماتی را هم در این رابطه سازمان دادند. اما جمهوری اسلامی فعالیت‌های آنان را برنهایت و ارگان‌های امنیتی رژیم عده‌ای از فعالان محیط‌زیست را با اتهام‌واهی جاسوسی بازداشت و آن‌ها را تحت فشارهای شدید به اعترافات دروغ وادار کردند و یا سربزه‌نیست و «خودکشی» کردند. برای حفظ محیط زیست سازمان‌های مردم‌نهاد باید بتوانند آزادانه فعالیت کنند. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) خواستار آزادی فوری فعالان محیط زیست، آزادی فعالیت نهادهای مدافع محیط زیست، تدوین برنامه و مقررات لازم و انجام اقدامات موثر برای جلوگیری از آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها و مراتع، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها و اعمالی است که به تخریب محیط زیست منجر شود و اکیدا لازم می داند که استفاده بهینه از انرژی و کاهش پخش مواد آلودگی‌زا، بر پایه‌ی استانداردهای زیست محیطی اجباری و برای آن برنامه ریزی انجام گیرد.

۹. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر تامین حقوق ملی و قومی و برابر حقوقی شهروندان فارغ از تفاوت های ملی و قومی، زبانی، مذهبی و شیوه‌های زندگی فردی و بر عدم تمرکز و ضرورت اداره‌ی امور هر منطقه به دست ساکنان آن و آموزش به زبان مادری تاکید دارد. تبعیض مذهبی علیه سنی‌ها، بهائی‌ها، مسیحی‌ها و کلیمی‌ها، دراویش و... باید بی‌درنگ متوقف شود.

۱۰. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر خروج نیروهای نظامی جمهوری اسلامی از سوریه، خاتمه دادن به دخالت نظامی در مناقشات منطقه‌ای در عراق، یمن ... و تشکیل نیروهای شبه نظامی در کشورهای



منطقه، کنار گذاشتن سیاست استقرار "عمق استراتژیک" مبتنی بر شیعه‌گری در بیرون از مرزهای ایران و اتخاذ سیاست تنش زدایی در مناسبات ایران با تمام کشورها تاکید دارد. ما هم چنین، از خروج نیروهای نظامی دیگر کشورها از سوریه زیر نظر سازمان ملل و برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین سرنوشت این کشور توسط شهروندان آن پشتیبانی می‌کنیم. جنگ و کشتار در یمن باید متوقف شود.

۱۱. ما مخالف اسرائیل ستیزی جمهوری اسلامی هستیم؛ وجود اسرائیل در خاورمیانه غیر قابل انکار است؛ سیاستی که این واقعیت را انکار کند، مخالف منافع ساکنان خاورمیانه، از جمله فلسطینیان، است. ما ادامه‌ی اشغال سرزمین‌های فلسطین را محکوم و سیاست‌های اسرائیل را مخالف صلح و همزیستی مسالمت آمیز می‌دانیم. اسرائیل باید به مرزهای به رسمیت شناخته شده‌ی ۱۹۴۷ بازگردد. ما رفتار اسرائیل نسبت به فلسطینیان در مناطق تحت اشغال را تبعیض‌آمیز و محکوم می‌دانیم. از راه حل دو دولت برای حل مسالهای فلسطین و تامین صلح عادلانه در منطقه پشتیبانی می‌کنیم. نقض قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد مناطق اشغالی، الحاق بخش‌های دیگری از سرزمین‌های فلسطین و نیز بلندی‌های جولان به اسرائیل را غیر قابل قبول، و رسمیت دادن دولت آمریکا به توسعه‌طلبی‌های دولت اسرائیل را محکوم می‌دانیم. هر نوع تغییر و تحولی در این موارد باید در چهار چوب مقررات و حقوق بین الملل انجام شود.

۱۲. سیاست‌های دولت آمریکا و متحدان آن، خاورمیانه را به آشوب کشانده، به میدان خصومت‌های دائمی و جنگ‌های نیابتی تبدیل کرده و بستر مساعدی را برای رشد نیروهای افراطی نظیر داعش فراهم آورده است. ما سیاست‌های امپریالیستی و سلطه‌گرانه‌ی آمریکا را محکوم می‌کنیم و بر این باوریم که استقرار صلح و ثبات در منطقه مستلزم گفتگو و مذاکره بین دولت‌های متخاصم، گسست از دایره‌ی خصومت و جنگ، توقف تولید سلاح هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی و نابودی آن‌ها، دمکراتیزاسیون و سکولاریزه کردن ساختارهای سیاسی و اجتماعی در منطقه، سمت‌گیری به سوی همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به جای تبدیل شدن به انبار تسلیحات دول بزرگ است.

۱۳. تنش بین دو دولت آمریکا و جمهوری اسلامی به نقطه‌ی پر مخاطره‌ای رسیده است، هر دو طرف در مسیری افتاده‌اند که راه برگشت را دشوار کرده است. درگیری نظامی بین دو دولت نتایج ویرانگری برای کشور ما و منطقه به بار می‌آورد. راه جلوگیری از درگیری احتمالی نظامی، متوقف نمودن تهدیدها علیه همدیگر و آغاز مذاکره‌ی بدون پیش‌شرط است. خارج شدن جمهوری اسلامی از برجام، می‌تواند اتحادیه اروپا و دولت ترامپ را علیه جمهوری اسلامی متحد کند و کشور را در یک قدمی جنگی قرار دهد که قربانی اصلی آن مردم ایران خواهند بود. ما بر سیاست تنش‌زدایی، انجام مذاکره برای پایان دادن به تحریم‌های فلج‌کننده‌ی اقتصادی و حل اختلافات بر سر میز مذاکره تاکید داریم و معتقدیم که ادامه‌ی وضعیت موجود خطر بروز درگیری نظامی را افزایش می‌دهد.

---

۱. پیشنهادات در مورد **عنوان** سند سیاسی:

الف. برای گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری سکولار و دمکرات،

تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی جدید!

ب. تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی جدید،

برای گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری سکولار و دمکرات!

ج. برای گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری سکولار دمکرات،

در راه تشکیل مجلس مؤسسان

د. برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سکولار دمکرات

ه- برای گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری سکولار و دمکرات،

برگزاری انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی جدید!

(۲) و (۳)- پیشنهاد حذف دو بند در مورد اصلاح طلبان

(۴) پیشنهاد حذف « سیاست ما تقویت گرایش به سکولار دموکراسی و نقد گرایشی است که دل در گرو قدرت دارد.»

(۵). پیشنهاد آلترناتیو برای بند مربوط به اصلاح طلبان : یکی از ویژگی‌های تحولات اخیر، بروز تمایزی روشن بین سه گرایش در درون اصلاح طلبان است: ۱- گرایشی که سیاست خود را همچنان با قدرت مستقر تنظیم می کند، ۲- گرایشی که هنوز به امکان اصلاحات - به دقیقترین معنا از اصلاحات یعنی بهینه سازی نظام موجود - باور دارد، و ۳- گرایشی که بر لزوم "تغییرات ساختاری" در نظام کنونی، در عین مرزبندی با تحول خواهی، تأکید دارد. سیاست ما نقد گرایش اول، گشودن دپالوگ انتقادی با گرایش دوم و نیل به تفاهات ممکن با گرایش سوم است.

(۵). پیشنهاد حذف بند در مورد «سمت اصلی مبارزه...»

(۶). شعار پیشنهادی: علیه تنش، فساد و سرکوب